

ترکیب بند

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفح صور، خاسته تا عرش اعظم است
گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب
کاشوب در تمامی ذرّات عالم است
گر خوانمش قیامت دنیا، بعید نیست
این رستخیز عام که نامش محرم است
دربارگاه قدس که جای ملال نیست
سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کند
گویا عزای اشرف اولاد آدم است
خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین
پروردۀی کنار رسول خدا، حسین
کاش آن زمان سُرادق^۱ گردون نگون شدی
وین خرگه بلند ستون، بیستون شدی
کاش آن زمان درآمدی از کوه تا به کوه
سیل سیه که روی زمین قیرگون شدی

۱ - سُرادق : سراپرده، خیمه‌ی بزرگ

کاش آن زمان که پیکر او شد درون خاک

جان جهانیان همه از تن برون شدی

کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست

عالَم تمام غرقه‌ی دریای خون شدی

این انتقام اگر نفتادی به روز حَسْر

با این عمل، معامله‌ی دهر چون شدی

آلِ نبی چو دست تظلم برآورند

ارکان عرش را به تلاطم درآورند

روزی که شد به نیزه، سر آن بزرگوار

خورشید سر برنه برآمد زکوهسار

موجی به جنبش آمد و برخاست کوه کوه

ابری به بارش آمد و بگریست زار زار

عرش آن چنان به لرزه درآمد که چرخ نیز

افتاد در گمان که قیامت شد آشکار

جمعی که پاس محمولشان داشت جبرئیل

گشتند بی عماری و محمل، شتر سوار

وانگه ز کوفه، خیل آل روبه شام کرد

نوعی که عقل گفت: قیامت قیام کرد

شعری را که خواندید با ترجیع بندهای درس قبل مقایسه کنید؛ چه تفاوتی با هم

دارند؟ بیت مصروعی که در میان بخش‌های این شعر آمده، متفاوت و نامکرر است. فرق

اساسی این شعر با ترجیع بند همین است. درون مایه‌ی بخش‌ها تقریباً همانند ترجیع بند است؛

یعنی؛ مضامینی از قبیل رثا، مدح و عشق را دربردارد.

این شعر از نظر قافیه با ترجیع بند فرقی ندارد و مانند آن، از بخش‌های مختلف پدید

آمده است. شمار بخش‌ها نامعین و به اختیار شاعر است.

این نوع شعر را **ترکیب بند** گویند. قدیمی‌ترین ترکیب بند از قطران تبریزی، شاعر قرن پنجم ه.ق. است.

جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، وحشی بافقی و محتمم کاشانی نیز از سرایندگان بنام ترکیب بند به شمار می‌روند. بخش‌هایی از ترکیب بند محتمم کاشانی را در آغاز درس خوانید.

ترکیب بند: شعری است چند بخشی که هر بخش آن از نظر قافیه و درون مایه همانند قصیده یا غزل است. این بخش‌ها را بیت مصرع متفاوت و نامکرری به هم می‌پوندد. قدیم‌ترین ترکیب بند از قطران تبریزی است. جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، محتمم کاشانی و وحشی بافقی از سرایندگان مشهور این قالب‌اند.

خودآزمایی

- ۱ – علّت نام‌گذاری قطعه را بنویسید.
- ۲ – موضوع‌های رایج قالب قطعه را بیان کنید.
- ۳ – شعر «متاع جوانی» ادبیات سال اول را از دید قالب و موضوع بررسی کنید.
- ۴ – تفاوت قالب ترجیع بند با قالب غزل را توضیح دهید.
- ۵ – قالب ترکیب بند چه تفاوتی با قالب ترجیع بند دارد؟

درس ۵

مُسَمَّط

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است
باد خنک از جانب خوارزم وزان است
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزان است
گویی به مثل پیرهن رنگر زان است
دهقان به تعجب سرانگشت گزان است
کاندر چمن و باع، نه گل ماند و نه گلنار

* * *

طاوس بهاری را دنبال بکندند
پرُش ببریدند و به کنجی بفکندند
خسته به میان باع، به زاریش پسندند
با او نه نشینند و نه گویند و نه خندند
وین پرنگارینش بر او باز بندند
تا آذر مه بگزرد، آید سپس آزار
«منوچهری»

شعری که خواندید، از چند بخش پدید آمده است؟
آیا قافیه‌ی هر دو بخش آن یکی است؟
شمار مصraigها در هر بخش چگونه است؟
به آخرین مصraig هر بخش توجه کنید؛ آیا قافیه‌ی آن‌ها با هم تفاوت دارد؟
شعری که خواندید، از دو بخش پدید آمده است و هر بخش آن قافیه‌ای مستقل دارد.
همه‌ی مصraig‌های یک بخش به جز مصraig آخر هم قافیه‌اند. شمار مصraig‌های هر بخش با

بخش‌های دیگر متساوی است و معمولاً هر بخش سه تا شش مصراع دارد. مصراع آخر تمام بندها هم قافیه است. این گونه شعر را **مسّمط** می‌نامند.

در مسمّط، هر بخش را یک **رشته** و مصراع آخر را **بند** گویند. بند، حلقه‌ی ارتباط همه‌ی رشته‌ها به یک دیگر است. شمار رشته‌های مسمّط نامعین و به اختیار شاعر است. بنیان‌گذار **مسّمط** «منوچهری دامغانی»، شاعر قرن پنجم است و از زمان او به بعد، این گونه شعر کم و بیش در دوره‌های مختلف مورد توجه شاعران قرار گرفته است. درون مایه‌ی مسمّط غالباً **تعزّل و مدح، اشعار سیاسی، ملی و میهنی** است. منوچهری و قآلی شاعران برگزیده در عرصه‌ی مسمّط سراپی‌اند.

رشته‌هایی از یک **مسّمط** قآنی، شاعر قرن سیزدهم

بنفسه رُسته از زمین به طرف جویبارها و یا گسته حور عین، زلف خویش تارها
زنگ اگر ندیده‌ای چه سان جهد شرارها به برگ‌های لاله بین، میان لاله‌زارها
که چون شراره‌ی جهد زنگ کوهسارها^۱

* * *

در این بهار هر کسی هوای راغ دارد به یاد باغ طلعتی، هوای باغ دارد
به تیره شب ز جام می، به کف آیاغ^۲ دارد همین دل من است و بس که درد و داغ دارد
جگر چو لاله پر ز خون، ز عشق گل‌عذارها

* * *

مسّمط تضمینی

من ندانستم از اول که تو بی‌مهر و وفایی عهد نابستن از آن به که بیندی و نپایی
دوستان عیب کنندم که چرا دل به تو دادم باید اول به تو گفتن که چنین خوب‌چرایی
دو بیتی‌ای که خواندید، بیت‌های اول و دوم غزلی است که پیش از این با آن آشنا

۱ - مصراع‌های این بند تماماً قافیه‌ای یکسان دارند و مصراع آخر در بند‌های بعدی، قافیه‌ای همانند بند اول دارد.

۲ - آیاغ : جام و پیاله‌ی شراب

شده‌اید. اینک به مسمطی از استاد شهریار توجه کنید.
ای که از کلک هنر، نقش دل انگیز خدایی
حیف باشد مه من، کاین همه از مهر جدایی
گفته بودی جگرم خون نکنی باز کجایی
«من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفاوی
عهد نابستن از آن به که بندی و نپایی»

مدّعی طعنه زند در غم عشق تو زیادم
وین نداند که من از بهر غم عشق تو زادم
نغمه‌ی ببل شیراز نرفته است زیادم «دوستان عیب کنندم که چرا دل به تو دادم
باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی»

چنان که می‌بینید، از این مسمط پنج مصراعی، دو مصراع آخر هر رشته بیتی از غزل سعدی است. این گونه مسمط را «مسmet تضمینی» گویند. یکی از زیباترین و مشهورترین مسمط‌های تضمینی شعر فارسی، سروده‌ی شیخ بهایی (شاعر قرن دهم هـ.ق.) است که بند نخستین آن چنین است:

تا کی به تمّنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مرثه چون سیل روانه
خواهد به سرآید شب هجران تو یانه؟
«ای تیر غمت را دل عشاق نشانه
جمعی به تو مشغول و تو غایب زمانه»^۱

مسmet: شعری است که از رشته‌های گوناگون پدید می‌آید. قافیه‌ی رشته‌ها متفاوت است و در هر رشته همه‌ی مصراع‌ها به جز مصراع آخر هم قافیه‌اند. مصراع آخر هر رشته را بند گویند. این مصراع که در تمام رشته‌ها هم قافیه است، حلقه‌ی ارتباط تمام رشته‌هاست.

درون مایه‌ی مسمط تقریباً همانند قصیده و بیان‌گذار آن منوچهری دامغانی است. قالانی، شاعر قرن سیزدهم، نیز مسمط‌های زیبایی سروده است. مسمط تضمینی، مسمطی است که بند آن در هر رشته، به ترتیب مصراع دوم بیت‌های یک غزل است؛ یعنی شاعر بیت‌های یک غزل را به ترتیب در پایان رشته‌های مسمط می‌آورد و تعداد رشته‌ها، تابع تعداد بیت‌های غزل است.

۱ - این مسمط، تضمین غزل معروف خیالی بخارایی (شاعر قرن نهم هـ.ق.) است.

مثنوی

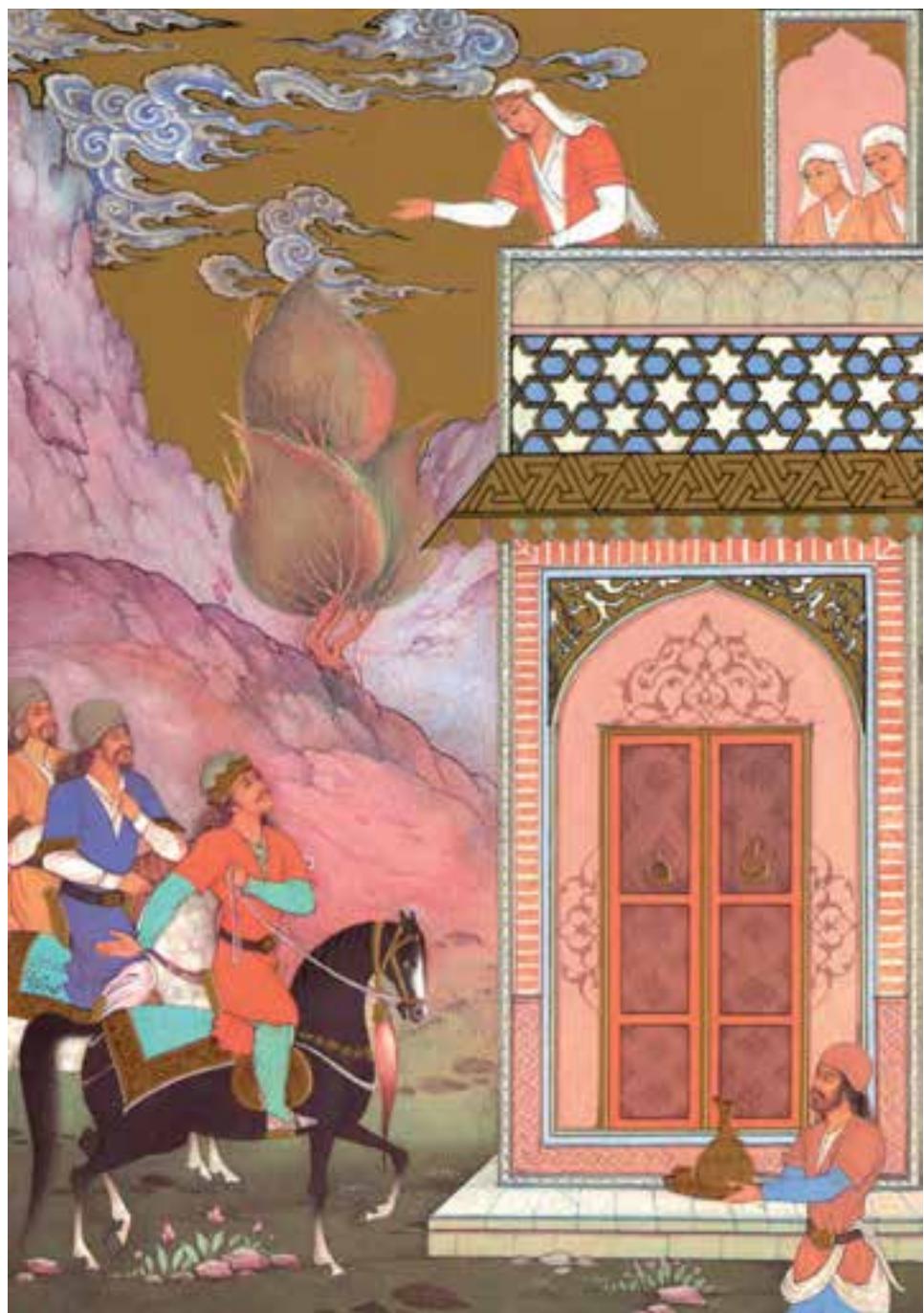
دریای زجوش نانشسته
چون او همه، واقعه رسیده
رفتی به طوف کوی آن ماه
با هیچ سخن نداشت میلی
نشنودی و پاسخش ندادی
با باد صبا خطاپ کردی
در دامن زلف لیلی اویز
برخاک ره او فتاده توست
با خاک زمین غم تو گوید
پروانه‌ی خویش را مرنجان
هم مرهم و هم جراحت دل
از وی قدری به من رسانی
«نظمی»

مجنون غریب دلشکسته
یاری دو سه داشت دل رمیده
با آن دو سه یار هر سحرگاه
بیرون زحساب نام لیلی
هر کس که جز این سخن گشادی
وانگه مژه را پرآب کردی
کای باد صبا به صبح برخیز
گو آن که به باد داده توست
از باد صبا دم تو جوید
ای شمع نهان خانه‌ی جان
ای درد و غم تو راحت دل
قند است لب تو، گرتوانی

شعری که خواندید، از داستان لیلی و مجنون نظامی انتخاب شده است. به پایان بیت‌ها بنگرید؛ آیا قافیه‌ی آن‌ها یکسان است؟ بیت‌ها قافیه‌های مستقل دارند اما هر بیت مُصرّع است؛ یعنی، دو قافیه‌ی یکسان دارد. شعرهای این گونه را «مثنوی» می‌نامیم. **مثنوی مناسب‌ترین قالب برای بیان داستان‌ها و مطالب طولانی** است؛ زیرا قافیه‌ی هر بیت مستقل است و شاعر می‌تواند پس از چند بیت، از قافیه‌ی قبلی نیز استفاده کند. مثنوی از قدیم‌ترین قالب‌های شعر فارسی و خاص زبان فارسی است و در همه‌ی ادوار از آن استفاده می‌شده است. «کلیله و دمنه‌ی منظوم رودکی» و «آفرین نامه»‌ی ابوشکور بلخی از اولین مثنوی‌های شعر فارسی دری است.

درون مایه‌ی مثنوی

مثنوی‌های زبان فارسی از نظر محتوا متفاوت‌اند؛ از این رو آن‌ها به چهار دسته



ائز محمد باقر آقامیری

تقسیم کرده‌اند :

- ۱ - حماسی و تاریخی، مانند : شاهنامه‌ی فردوسی و اسکندرنامه‌ی نظامی گجه‌ای.
- ۲ - اخلاقی و تعلیمی، مانند : بوستان سعدی.
- ۳ - عاشقانه و بزمی، مانند : خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین فخر الدین اسعد.
- ۴ - عارفانه، مانند : مثنوی مولوی، حدیقه‌الحقیقه‌ی سنایی و منطق الطیب عطار.

مثنوی : شعری است با بیت‌های مُصرّع که هر بیت قافیه‌ای مستقل دارد، خاص ایرانیان و فارسی زبانان است و از آغاز شعر فارسی تا حال مورد توجه بوده است. درون مایه‌ی مثنوی، حماسی، اخلاقی، عاشقانه و عارفانه است و قالب آن، مناسب‌ترین قالب برای بیان مطالب طولانی است. فردوسی، سعدی، نظامی، عطار، مولوی و ... از مثنوی سرایان بنام‌اند.

خودآزمایی

- ۱ - «رشته» در ترجیع بند چه تفاوتی با رشته در قالب مسمّط دارد؟
- ۲ - پدیدآورنده‌ی قالب مسمّط کیست؟
- ۳ - قالب مسمّط تضمینی را توضیح دهید.
- ۴ - کدام قالب برای بیان داستان‌ها و مطالب طولانی مناسب‌تر است چرا؟
- ۵ - انواع مثنوی از دید محتوا را بنویسید.
- ۶ - شعر «با تو یاد هیچ کس نبود روا» و «مرغ گرفتار» از ادبیات سال اول را از دید قالب و محتوا با هم مقایسه کنید.



نیشابور، آرامگاه خیام

رباعی

تا بر گل و سبزه تکیه جایی بزنیم
آخر کم از آن که دست و پایی بزنیم
«عطار»

وقت است که در بر آشنایی بزنیم
زان پیش که دست و پا فروبندد مرگ

* * *

یا این ره دور را رسیدن بودی
چون سبزه امید بر دمیدن بودی
«خیام»

ای کاش که جای آرمیدن بودی
کاش از پس صدهزار سال از دل خاک

* * *

زین تجربه دیده‌ای، خرد پروردی
بر دامن همت نشیند گردی
«بابا افضل کاشانی»

مردی باید، بلند همت مردی
کاو را به تصرف اندر این عالم خاک

هر یک از شعرهایی که خواندید، «رباعی» است؛ زیرا تعداد مصraig های هر یک از آن‌ها همواره چهارتاست.

به رباعی اول دقّت کنید؛ قافیه‌ی آن چگونه است؟ مصraig اول، دوم و چهارم رباعی هم قافیه‌اند و مصraig سوم، در شعر برخی از دوره‌ها بی‌قافیه است. رباعی در زبان فارسی به وزن‌های مختلفی سروده شده است. پیام اصلی شاعر، معمولاً در مصraig آخر رباعی می‌آید و سه مصraig دیگر مقدمه‌ی سخن شاعر است.

رباعی قالبی ایرانی است و از زمان رودکی تا حال در شعر فارسی رواج داشته است.
دون مايه‌ی اين نوع شعر بيش تر **عشق**، **عرفان** و **فلسفه** بوده است.

خیام، شاعر قرن پنجم، بهترین رباعی سرای شعر فارسی است و پس از او می‌توان از عطار، مولوی و بابا افضل کاشانی نام برد.

رباعی از مناسب‌ترین قالب‌ها برای **ثبت لحظه‌های زودگذر شاعرانه** است^۱.

۱ - «نُزْهَةُ الْمَجَالِسِ» تأليف جمال خليل شروانی که به کوشش دکتر محمد امین ریاحی چاپ شده، گنجینه‌ی ارشمندی است که حدود چهارهزار رباعی را دربر می‌گیرد. دانش‌آموزان برای آشنایی بیش‌تر با «رباعی» می‌توانند به این کتاب مراجعه کنند.

رباعی: شعری چهار مصraigی است که مصraig سوم آن معمولاً قافیه ندارد. درون مایه‌ی رباعی بیشتر عارفانه، عاشقانه یا فلسفی است. این نوع شعر مناسب‌ترین قالب برای ثبت لحظه‌های کوتاه شاعرانه است و در همه‌ی دوره‌ها رواج داشته است. رباعی قالبی خاص زبان فارسی است و خیام، عطّار، مولوی و بابا‌فضل سرایندگان نامدار رباعی‌اند.

دو بیتی

به صحرا بنگرم، صحرا ته وینم	به دریا بنگرم دریا ته وینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت	نشان از قامت رعناته وینم
*	*
خوش‌آنون که سودای ته دیرند	که سر پیوسته در پای ته دیرند
به دل دِیْرُم تمنای کسانی	که اندر دل تمنای ته دِیرَند
*	*
ته دوری از بَرُم دل در برم نیست	هوای دیگری اندر سرم نیست
به جانِ دلبرم کز هر دو عالم	تمنای دگر جز دلبرم نیست
«بابا طاهر»	

به هر یک از شعرهایی که خواندید، «دو بیتی» می‌گویند؛ زیرا همیشه شامل دو بیت است. قافیه‌ی دو بیتی چگونه است؟ آیا با رباعی تفاوت دارد؟ قافیه‌ی دو بیتی در پایان مصraig اول، دوّم و چهارم می‌آید؛ یعنی، همانند رباعی است و از نظر قافیه با آن فرقی ندارد. دو بیتی اول این درس را از نظر وزن با رباعی اول درس پیشین مقایسه کنید. چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟ اگر با دقت به یک رباعی و یک دو بیتی گوش دهیم، در می‌یابیم که «وزن»

آن‌ها با هم تفاوت دارد و تنها راه شناخت دویستی از رباعی نیز توجه به وزن آن‌ها است.
 توجه: اگر توانستید از طریق وزن که گوش شما آن را احساس می‌کند دویستی را از رباعی باز شناسید، بدانید که دویستی با یک «هجای کوتاه» و رباعی با یک «هجای بلند» آغاز می‌شود. مقصود این است که اگر کلمه‌ی اول هر دویستی را بخشن کنید، بخش اول آن کلمه، یک صامت با یک مصوت کوتاه خواهد بود. برای نمونه، مصراع «خوشا آون» که سودای ته دیرند» را در نظر بگیرید. واژه‌ی اول این مصراع «خوشا» است. خوشا را بخشن کنید؛ «خُ» و «شا» دو بخش یا دو هجای این واژه‌اند. بخش اول «خُ» است که یک صامت (خ) + یک مصوت کوتاه (ء) است.

دویستی را در فارسی «ترانه» هم می‌گویند.

درون مایه‌ی دویستی **عاشقانه** و **عارضانه** است. گوینده‌ی بسیاری از دویستی‌ها نامعلوم است. باباطاهر همدانی، شاعر عارف قرن پنجم و فایز دشتستانی، شاعر عهد قاجار، مشهورترین دویستی سرایان‌اند.

دویستی رایج‌ترین قالب شعری در نزد روستاییان با ذوق و خوش لهجه است. برای آشنایی بیش‌تر، چند دویستی از فایز دشتستانی را با هم می‌خوانیم.

تو از من بی خبر من از تو بی تاب	نمی‌آیی مرا یک شب تو در خواب
لب من تشهنه و لعل تو سیراب	یقین، حال دل فایز ندانی

* * *

مکن باور که آه از دل برآید	اگر صد تیر ناز از دلبر آید
هنوز آواز دلبر دلبر آید	پس از صدسال بعد از مرگ فایز

* * *

به جز سور توأم در سر نباشد	دلم را جز تو کس دلبر نباشد
که تا جای کس دیگر نباشد	دل فایز تو عمداً می‌کُنی تنگ

دوبیتی: شعری است مشتمل بر دو بیت که گاه مصراع سوم آن قافیه ندارد. بیشتر درون مایه‌ای عاشقانه و عارفانه دارد و رایج‌ترین قالب در میان روستاییان است. باباطاهر و فایز معروف‌ترین شاعران دوبیتی گو هستند. دوبیتی وزنی خاص دارد و از این نظر با رباعی متفاوت است.



چهارپاره

بلم آرام چون قویی، سبکبار
به نخلستان ساحل، قرص خورشید
به نرمی بر سر کارون همی رفت
ز دامان افق بیرون همی رفت

*

شفق بازی کنان در جنبش باد
به دشت پرشقايق، باد سرمست
شکوه دیگر و راز دگر داشت
تو پنداری که پاورچین گذر داشت

*

بلم می‌راند و جانش در بلم بود
گرفتار دل و بیمار غم بود...
«فریدون تولّی»

جوان پارو زنان بر سینه‌ی موج
صدای سرداده مسکین در ره باد

به شعری که خواندید، دقت کنید؛ این شعر شامل دویستی‌هایی است با قافیه‌های متفاوت که از نظر معنی با هم ارتباط دارند. به این نوع شعر **چهارپاره** گویند. در رایج‌ترین شکل چهارپاره فقط مصراع‌های زوج هم قافیه‌اند. البته قافیه به صورت‌های دیگری هم در این نوع شعر به کار رفته است. چهارپاره در وزن آزاد است. این قالب پس از مشروطیت در ایران رواج یافت و تلاشی بود در جهت ایجاد یک قالب نو که درون مایه‌ی تازه‌ای داشته باشد. درون مایه‌ی چهارپاره بیشتر **اجتماعی** و **غنایی** است. فریدون تولّی، پرویز خانلری و فریدون مشیری از چهارپاره سرایان بنام‌اند.

چهارپاره : شعری است شامل چند دویستی با قافیه‌های مختلف که از نظر معنی با هم ارتباط دارند. در چهارپاره معمولاً مصراع‌های زوج هم قافیه‌اند. این نوع شعر در روزگار معاصر پدیدآمده و به وزن‌هایی غیر از وزن دویستی نیز سروده شده است. تولّی، خانلری و مشیری از سرایندگان چهارپاره‌اند.

خودآزمایی

- ۱ - قالب رباعی چه خصوصیاتی دارد؟
- ۲ - چگونگی تشخیص قالب رباعی از دویستی را بنویسید.
- ۳ - چهارپاره چگونه قالبی است؟
- ۴ - قالب چهارپاره از چه هنگام و با چه هدفی رواج یافت؟
- ۵ - چهارپاره از نظر محتوا معمولاً چه تفاوتی با دویستی و رباعی دارد؟
- ۶ - شعر «در امواج سند» ادبیات سال اول را از دید قالب و محتوا بررسی کنید.

مستزاد

پادشاهست
چون گداست
یا بهشت
بی صفات
یا شنفت
بی حیاست
خاسته
بد آداست
درد من
بی دواست

«مهدی اخوان ثالث»

هر که گدای در مشکوی^۱ توست
شَه که به همسایگیِ کوی توست
باغ جهان موسَم اردیبهشت
گرنه ثناخوان گلِ روی توست
نرگس گلزار جنان هر که گفت
این که چو چشمان بی آهوی توست
سر و شنیدم که قد آراسته
مدعی قامت دل جوی توست
رحم کن ای دیده رخ زرد من
گرنه امیدیش به داروی توست

به شعری که خواندید، دقّت کنید. همان طور که می‌بینید، در پایان هر مصraig آن کلمه یا کلماتی افزوده شده است. این نوع شعر را به سبب همین بخش‌های اضافی، «مستزاد» گویند. کلمه یا کلمه‌های اضافه شده معنی مصraig را کامل می‌کنند. این افزوده‌ها همه وزنی یکسان دارند و با مصraig قبل از خود نیز هم وزن‌اند. با افزودن واژه یا واژه‌هایی به پایان مصraig‌های قطعه، رباعی و غزل می‌توان مستزاد سروود. **قدیمی ترین مستزاد** در **دیوان مسعود سعد** آمده است.

۱ - مشکوی : قصر، کاخ

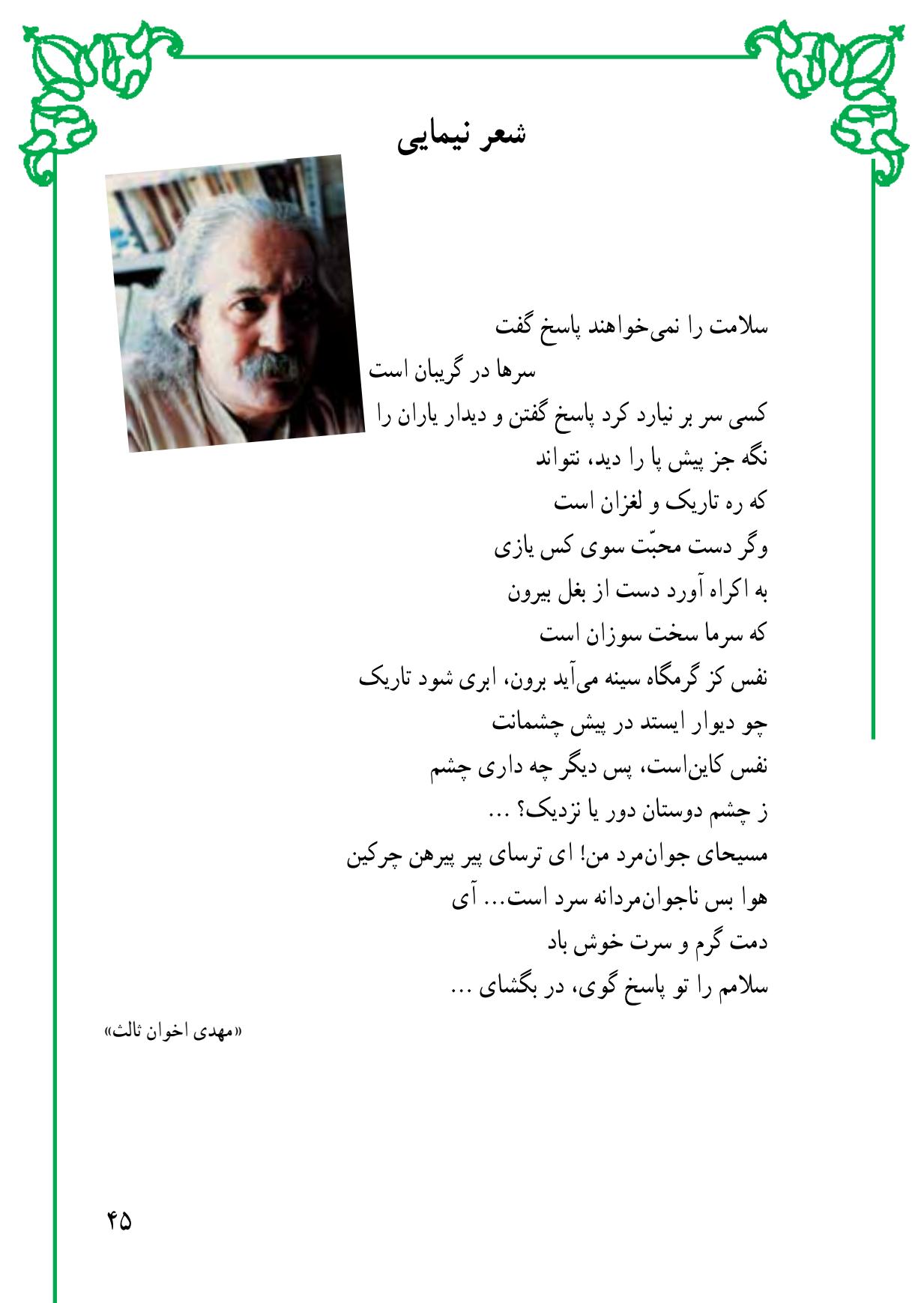
از مسعود سعد

گشته عیان
اندر جهان
چون بوستان

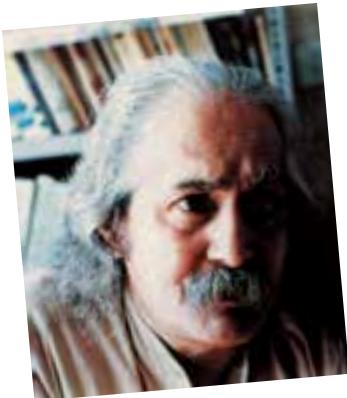
ای کامگار سلطان، انصاف تو به کیهان
مسعود شهریاری، خورشید نامداری
ای اوچ چرخ جایت، گیتی زروی و رایت

مستزاد زیبایی منسوب به مولوی به دست ما رسیده و در عصر مشروطه نیز این قالب در شعر نسیم شمال، بهار و ادیب الممالک فراهانی رواجی خاص داشته است. درون مایه‌ی مستزاد می‌تواند مدح، عشق، عرفان، مسائل اجتماعی و میهنه باشد. اهمیت مستزاد از آن روست که احتمالاً از منابع الهام نیما در کوتاه و بلند کردن مصraع‌های شعر نو بوده است؛ زیرا این قالب، تنها قالب شعر سنتی است که مصraع‌های آن با هم مساوی نیستند.

مستزاد: شعری است که به آخر هر مصraع آن کلمه یا کلماتی افزوده شود. افزوده‌ها معنی مصraع قبل یا بعد خود را تکمیل می‌کنند. قدیمی‌ترین مستزادها از قرن پنجم هـ. ق. پدید آمده‌اند و این نوع شعر در دوره‌های بعد کم و بیش مورد توجه شاعران بوده است. اهمیت مستزاد از آن روست که در پیدایش شعر نیمایی اثر داشته است.



شعر نیمایی



سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت
سرها در گربیان است
کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را
نگه جز پیش پا را دید، نتواند
که ره تاریک و لغزان است
و گر دست محبت سوی کس یازی
به اکراه آورد دست از بغل بیرون
که سرما سخت سوزان است
نفس کز گرمگاه سینه می آید برون، ابری شود تاریک
چو دیوار ایستد در پیش چشمانت
نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم
ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟ ...
مسیحای جوان مرد من! ای ترسای پیر پیرهن چرکین
هوا بس ناجوان مردانه سرد است ... آی
دمت گرم و سرت خوش باد
سلامم را تو پاسخ گوی، در بگشای ...

«مهدی اخوان ثالث»

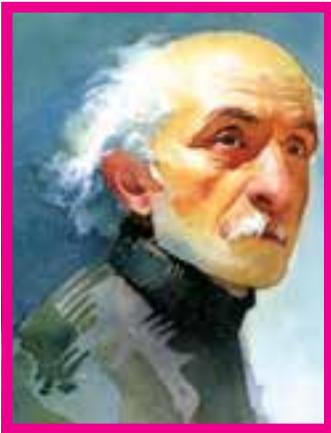
به مصراج اول تا سوم شعری که خواندید، دقّت کنید؛ آیا مصراج‌ها از نظر طول مساوی‌اند؟ چنان که می‌بینید، این شعر برخلاف شعرهایی که پیش از این با آن‌ها آشنا شده‌اید، از مصراج‌هایی هم اندازه پدید نیامده است. مقصود از مصراج‌های هم اندازه، مصراج‌هایی است که شمار هجاهای در آن‌ها یکسان است. قالب‌هایی را که پیش از این با آن‌ها آشنا شده‌اید «شعر سنتی» می‌خوانند و شعری که نمونه‌ای از آن در آغاز درس آمده «شعر نیمایی» است.

بار دیگر مصراج اول تا سوم را بخوانید. آیا قافیه‌ای در پایان آن‌ها آمده است؟ قافیه در شعر نیمایی برخلاف شعر سنتی الزامی نیست؛ بنابراین، شاعر هرجا که بیان خود را نیازمند واژه‌های هم قافیه می‌بیند، از آن استفاده می‌کند. برای نمونه، در شعری که خواندید به پایان مصراج‌های دوم، پنجم و هشتم دقّت کنید. واژه‌های «گریبان، لغزان و سوزان» کلمات قافیه‌اند و ظهرور آن‌ها در شعر کاملاً طبیعی و به دور از تصنّع است. در این شعر، ردیف نیز حالتی همانند قافیه دارد؛ یعنی، هرجا شاعر احساس کند که بدان نیاز دارد، در پی قافیه از آن استفاده می‌کند؛ مانند واژه‌ی «است» بعد از کلمات گریبان، لغزان و سوزان. شعر نیمایی مانند شعر سنتی موزون است؛ یعنی، وزن و آهنگ آن با گوش احساس می‌شود اما در این نوع شعر به سبب آن که مصراج‌ها از نظر امتداد برابر نیستند و وجود قافیه نیز الزامی نیست، دریافت و احساس وزن به دقّت بیشتری نیاز دارد.

مضمون شعر نیمایی مبتنی بر تجربه‌ی شخصی شاعر است؛ یعنی، شاعر حق دارد از هر اندیشه‌ای – اعم از غنایی، فلسفی، اجتماعی، سیاسی و... – سخن بگوید؛ به شرط آن که سخن برخاسته از احساس وی باشد. عمدت‌ترین درون مایه‌های شعر نیمایی **عشق**، **سیاست و اجتماع** است.

مبتكر و پدیدآورنده‌ی شعر نیمایی، علی اسفندیاری مشهور به «نیمایوشیج» است که با انتشار شعر «افسانه» در سال ۱۳۰۱ ه. ش. اولین گام جدی را در این راه برداشت. شعر نیمایی با وجود مخالفت‌ها، توانست در زبان فارسی جای خوبی را باز کند و اکنون پس از هفتاد سال، در کنار شعر هزارساله‌ی سنتی دارای نمونه‌هایی پایدار و ماندگار است. نیمایوشیج، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری از برگزیدگان شعر نیمایی‌اند.

نمونه‌هایی از شعر نیما و پیروان او



از نیما یوشیج

می‌تراود مهتاب
می‌درخشد شب تاب
نیست یک دم شکند خواب به چشم کس ولیک
غم این خفته‌ی چند
خواب در چشم ترم می‌شکند.
نگران با من استاده سحر
صبح می‌خواهد از من
کز مبارک دم او آورم این قوم به جان باخته را بلکه خبر
در جگر، لیکن خاری
از ره این سفرم می‌شکند.

از فروغ فرخزاد

آن روزها رفتند
آن روزهای خوب
آن روزهای سالم سرشار
آن آسمان‌های پر از پولک
آن شاسخاران پر از گیلاس
آن خانه‌های تکیه داده در حفاظ سبز پیچک‌ها به یک دیگر
آن بام‌های بادبادک‌های بازیگوش
آن کوچه‌های گیج از عطر افقی‌ها

از سه را ب سپهری

آب را گل نکنیم

در فرودست انگار، کفتری می خورد آب

یا که در بیشه دور، سیره ای پر می شوید

یا در آبادی، کوزه ای پُر می گردد

آب را گل نکنیم

شاید این آب روان می رود پای سپیداری، تا فرو شوید اندوه دلی.

شعر نیمایی : شعری است با مصراع های کوتاه و بلند که در آن قافیه الزامی نیست. درون مایه‌ی شعر نیمایی احساسات و تجربه‌های فردی، عشق، سیاست و ... است.

بنیان‌گذار این گونه شعر، نیما یوشیج است. مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و سه را ب سپهری از برگزیدگان شعر نیمایی اند.

خود آز مایی

۱- قالب مستزاد چگونه پدید می آید؟

۲- اهمیت قالب مستزاد در چیست، چرا؟

۳- وزن و قافیه در شعر سنتی و نیمایی چه جایگاهی دارد؟

۴- در مورد مضمون شعر نیمایی توضیح دهید.

۵- شعر «همای رحمت» و «پشت دریاها» از ادبیات سال دوم را از نظر قالب و درونمایه با هم مقایسه کنید.